

مفهوم‌پردازی سبک‌های اسناد رویدادهای خوشایند و ناخوشایند در قرآن

علی بیات^۱، محمدصادق شجاعی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی سبک‌های اسناد رویدادهای خوشایند و ناخوشایند در قرآن انجام شده است. روش به کار رفته در این پژوهش تحلیل کیفی محتوای متون دینی بود. برای این منظور مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با اسناد با استفاده از دو راهبرد «جستجوی واژگانی» و «متن‌خوانی باز» از قرآن کریم گردآوری شد و داده‌ها پس از تحلیل کیفی وارد نرم‌افزار مکس کیودا شد. یافته‌های این تحقیق منجر به ۷۶ گزاره اولیه شد که تحلیل آنها سرانجام دو سبک اسنادی «توصیفی» و «تجویزی» در دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند و در مجموع ۹ سبک اسنادی را نتیجه داد. اسناد توصیفی در موقعیت‌های ناخوشایند، شامل سه سبک اسناد به «خداوند»، «خویشتن» و «دیگران»؛ و اسناد توصیفی در موقعیت‌های خوشایند شامل دو سبک اسناد به «خداوند» و «خویشتن» بود. اسناد تجویزی در موقعیت‌های ناخوشایند شامل سه سبک اسناد به «انسان»، «شیطان» و «خداوند»؛ و اسناد تجویزی در موقعیت‌های خوشایند فقط شامل اسناد به «خداوند» بود. اعتبارسنجی بر پایه دو شاخص اتقان و کاربردپذیری یافته‌ها توسط ۸ کارشناس خبره علوم اسلامی و روان‌شناسی بر اساس ضریب شاخص روایی محتوا و شاخص نسبت روایی محتوا بررسی و تأیید شد.

کلیدواژه: مفهوم‌پردازی، اسناد، سبک اسناد، سبک‌های اسناد قرآنی

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول) abayat@rihu.ac.ir

۲. استادیار پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، قم، ایران.

Conceptualization styles of attributing pleasant and unpleasant events in the Quran

Ali Bayat^۱ Mohammadsadiq Shojaei^۲

This study aims to investigate the attribution styles of pleasant and unpleasant events in the Qur'an. The method used in this study was qualitative analysis of the content of religious texts (Shojaei, 1399). For this purpose, concepts and statements related to documents were collected from the Holy Quran using two strategies, "lexical search" and "open text reading", and the data were entered into MAXQDA software version 2018 after qualitative analysis. The findings of this study led to 76 initial statements, the analysis of which ultimately led to two descriptive styles of "descriptive" and "prescriptive" in both pleasant and unpleasant situations; And resulted in a total of 9 attribution styles. Descriptive documents in unpleasant situations, including three styles of attributing to "God", "self" and "others"; And descriptive documents in pleasant situations included two styles of attribution to "God" and "self." Prescription documents in unpleasant situations include three styles of attribution to "man", "devil" and "God"; And prescription documents in pleasant situations only included documents to "God." Validation based on two indicators of "reliability" and "applicability" of the findings was reviewed and approved by 8 experts in Islamic sciences and psychology based on content validity index (CVI) and content validity ratio (CVR).

Keywords: Conceptualization †attribution †style of attribution †pattern of Quranic attribution

^۱ PhD student of psychology, hawzah and University Research Institute, Qom, Iran.
(corresponding author): abayat@rihu.ac.ir

^۲ Assistant Professor, Department of Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

نظریه اسناد برای اولین بار در سال ۱۹۵۸ با انتشار کتاب هایدلر تحت عنوان روان‌شناسی روابط میان‌فردی^۱ مورد توجه قرار گرفت. سپس در اواسط دهه ۱۹۶۰ با تألیفات جونز و دیوس^۲ (۱۹۶۵) و کلی^۳ (۱۹۶۷) گسترش یافت. این نظریه‌ها بیشتر بر ادراک شخصی (روان‌شناسی اجتماعی) و دستیابی به باورهای علی (روان‌شناسی شناختی) تمرکز داشت. جنبه انگیزشی اسناد را برای اولین بار واینر^۴ (۱۹۸۵) مطرح کرد که نشان داد علاوه بر علل درونی و بیرونی مطرح شده در موقعیت‌های ناکامی و موفقیت، علل ادراک شده دارای سه بعد منبع^۵، پایداری^۶ و کنترل‌پذیری^۷ است (واینر، ۱۹۸۵، ص ۵۴۸). پس از طرح نظریه اسناد در روان‌شناسی اجتماعی، در نیمه دهه ۱۹۸۰ اسناد وارد روان‌شناسی دین شد (اسپیلکا^۸، شیور^۹، و کرکپاتریک^{۱۰}، ۱۹۸۵). در طول چندین دهه توسط برخی محققان اهمیت نظریه اسناد در روان‌شناسی دین مورد بحث قرار گرفته است. گرساچ^{۱۱} (۱۹۸۸، ص ۲۱۷) اظهار داشت که تحقیق در حوزه اسناد، جهت اصلی حرکت در روان‌شناسی دین است. هود^{۱۲}، هیل^{۱۳} و اسپیلکا (۲۰۰۹، ص ۴۶) همچنین بیان کردند که نظریه اسناد چارچوبی مفید برای مطالعه تجربه دینی است. به صورت تجربی نیز درباره اسناد تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. تحقیقات

۱. *The Psychology of Interpersonal Relations*

۲. Jones, E. E., & Davis, K. E.

۳. Kelley, H. H.

۴. Weiner, B.

۵. Locus

۶. Stability

۷. Controllability

۸. Spilka, B.

۹. Shaver, P. R.

۱۰. Kirkpatrick, L. A.

۱۱. Gorsuch, R. L.

۱۲. Hood, R. W.

۱۳. Hill, P. C.

نشان داد بین اسنادهای دینی مثبت (برای نمونه خدای مهربان و حامی، خدای با محبت، خدای هدفمند، خدای مختار، اسناد بیماری به اراده و محبت الهی) و افزایش سلامت روانی، مقابله دینی مثبت، رشد شخصی و بهزیستی عمومی (پارک و کوهن^۱، ۱۹۹۳؛ شورتز و ورثینگتون^۲، ۱۹۹۴؛ اسمیت^۳ و دیگران، ۲۰۰۰)؛ راهبردهای مقابله‌ای دینی مثبت (پارگامنت^۴ و دیگران، ۱۹۹۰)؛ معنا در زندگی (استروپ^۵، دراپر^۶ و وایت‌هد^۷، ۲۰۱۳)؛ بهزیستی عاطفی، ارزیابی مثبت از وضعیت بیماری، احساس کارآمدی، تسلط بر وضعیت خویش، اشکال مثبت مقابله و مقابله اجتنابی کمتر (گال و بیلودو^۸، ۲۰۱۷، ص ۷۲۴-۷۲۰)؛ پیشرفت کندتر بیماری (ایرونسون^۹ و دیگران، ۲۰۱۱)؛ و رضایت از زندگی (هومیمر^{۱۰}، ۱۹۹۸) رابطه وجود دارد. در مقابل، اسنادهای دینی منفی (خدای مغضوب) با مقابله دینی منفی تر (شورتز و ورثینگتون، ۱۹۹۴؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۰)؛ تجربه درماندگی عاطفی، میزان پایین بهزیستی، کنترل‌پذیری کمتر و استفاده از مقابله اجتنابی (گال و بیلودو، ۲۰۱۷، ص ۷۲۴-۷۲۰)؛ سازگاری پایین و کشمکش‌های معنوی (پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۴)؛ اِکسلاین^{۱۱} و دیگران، ۲۰۱۱) رابطه دارد.

بررسی تحقیقات این حوزه حاکی از آن است که پژوهش‌های انجام شده پیرامون اسناد دینی را می‌توان در چهار دسته: ۱) نظریه‌های اسناد دینی که به مفهوم‌شناسی و شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد اسناد پرداخته‌اند؛ ۲) عوامل زمینه‌ساز، علی و پیش‌بینی‌کننده

۱. Park, C. L., & Cohen, L.

۲. Shortz, J. L., & Worthington, E. L.

۳. Smith, B. W.

۴. Pargament, K. I.

۵. Stroebe, S.

۶. Draper, S.

۷. Whitehead, A. L.

۸. Gall, T. L., & Bilodeau, C.

۹. Ironson, G.

۱۰. Hovemyr, M.

۱۱. Exline, J. J.

سبک‌های اسناد؛ ۳) همبسته‌ها یا به عبارت دیگر، متغیرهای مرتبط با اسناد؛ ۴) ابزارهای اندازه‌گیری اسناد دینی، طبقه‌بندی کرد.

از مهم‌ترین مسائل حوزه اسناد دینی، چیستی و تعریف آن است. نخستین مطالعات در حوزه مفهوم‌شناسی اسناد دینی را اسپیلکا و اسمیت (۱۹۸۳) آغاز کردند. سؤال اصلی آنها این بود که چگونه ویژگی‌های یک رویداد در اسناد آن به خداوند تأثیر می‌گذارد. آنها دریافتند که برخی متغیرهای موقعیتی (اینکه رویداد برای خود فرد بوده یا برای دیگران، تا چه اندازه اهمیت داشته است؛ مثبت یا منفی بودن رویداد؛ در چه زمینه‌ای بوده است برای مثال، اقتصادی، اجتماعی یا پزشکی) افراد را در اسناد یک رویداد به خداوند تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنها دریافتند اسناد به خداوند غالباً در رویدادهایی دیده می‌شود که پزشکی، مثبت و مهم هستند. اگرچه مطالعه اسپیلکا و اسمیت (۱۹۸۳) در مورد تأثیر ویژگی‌های یک رویداد بر اسناد دینی مهم بود، اما در مورد ابعاد و مؤلفه‌های اسناد دینی صحبتی نکرده است. علاوه بر این واتسون^۱، موریس^۲ و هود (۱۹۹۰) اسناد افرادی که جهت‌گیری مذهبی باطنی و ظاهری دارند؛ گرساچ و اسمیت (۱۹۸۳) مبانی اسناد به خدا؛ لوپفر^۳، بروک^۴ و دیپائولا^۵ (۱۹۹۲) شماری از ویژگی‌های شخصی و موقعیتی مؤثر بر اسنادهای دینی و عرفی؛ و بولمن^۶ و ورتمن^۷ (۱۹۷۷) به نقش مذهب و تصور از خداوند در سبک‌های اسناد دینی مثبت یا منفی، پرداختند. در واقع این تحقیقات تلاش کرده‌اند نشان دهند چه عواملی باعث می‌شود افراد رویدادها را به خدا استناد دهند و چرا در برخی موقعیت‌ها اسناد به خداوند بیشتر است. چنان‌که مشاهده می‌شود در این تحقیقات به پیش‌بین‌های اسناد دینی^۸ پرداخته شده و مؤلفه‌ها و ابعاد اسناد دینی مورد توجه قرار نگرفته است.

۱. Watson, P.

۲. Morris, R.

۳. Lupfer, M. B.

۴. Brock, K. F.

۵. DePaola, S. J.

۶. Bulman, R. J.

۷. Wortman, C. B.

۸. predictors of religious attribution

بیلی^۱ و هیز^۲ (۱۹۹۸) در انتقاد به اینکه در پژوهش‌های انجام شده، اسناد علی با اسناد مسئولیت خلط شده است، اسناد دینی را به دو بعد: علت مسئله و راه‌حل تقسیم کرده و تعریف عملیاتی پیچیده‌ای از آن ارائه دادند. علاوه بر این، هومیر (۱۹۹۸) کشف کرد زمانی که افراد موفقیت خود را توضیح می‌دهند، یاری‌رسانی و پاسخگویی خداوند به درخواست آن‌ها، ابعاد مهمی از اسناد دینی محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از محدودیت‌های اصلی این نوع پژوهش‌ها این است که هر دو تحقیق صرفاً به اسنادهای دینی مثبت پرداخته و با یک نمونه نسبتاً همگن از شرکت‌کنندگان یک کشور غربی انجام شده است.

لوپفر و دیگران (۱۹۹۴) نیز اسناد را به دو نظام اسنادی دینی و غیردینی تقسیم کرده‌اند. بر اساس این تحقیق، آن دسته از افراد که رویدادهای زندگی را به علل طبیعت‌گرایانه از جمله عوامل موقعیتی یا ویژگی‌های شخصی استناد می‌دهند، دارای نظام اسناد غیردینی، و افرادی که رویدادها را به علل فراطبیعی از جمله شانس، سرنوشت، خدا، روح و شیطان نسبت می‌دهند، دارای نظام اسناد دینی هستند. این پژوهش نیز صرفاً اسناد دینی را به عنوان یکی از سبک‌های اسنادی شمرده و به مؤلفه‌ها و ابعاد آن پرداخته است. مفهوم اسناد دینی از سوی اشنايدر^۳ و اسمیت (۲۰۱۱) تقویت شد. آن‌ها برای درک چگونگی اسناد دینی، یک تحقیق بین‌فرهنگی انجام دادند. نتایج آنها نشان داد، در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا و ایرلند صفت‌هایی مانند «فعال» و «خیرخواه» به خداوند نسبت داده می‌شود. در این کشورها خدا به عنوان پدر، پسر و مادر و روح القدس تلقی می‌شد، در حالی که آلمانی‌ها، ژاپنی‌ها و چینی‌ها از خداوند به عنوان مشاور و راهنما، قاضی و داور یاد می‌کنند. همچنین تحقیق آن‌ها نشان داد آلمانی‌ها، ژاپنی‌ها و چینی‌ها گرچه ممکن است خدا را بپذیرند، اما نه تا این اندازه که در زندگی انسان دخالت و نقش داشته باشد.

همه این پژوهش‌ها در فرهنگ غربی انجام شده است. در فرهنگ‌های دیگر پژوهش‌ها پیرامون مفهوم و مؤلفه‌های اسناد دینی بسیار اندک است. در فرهنگ‌های غیر

۱. Bayley, J.

۲. Hayes, J. A.

۳. Schneider, A.

غربی اولین بار، کاراکایا^۱ (۲۰۰۸) به بررسی اسنادهای دینی در دانشجویان دانشگاه مالزی که مسلمان هم بودند، پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که اسناد دینی شامل دو بعد: اراده خداوند و مجازات الهی است. بر خلاف تحقیقات انجام شده در فرهنگ‌های غربی کاراکایا (۲۰۰۸)، اظهار کرد که اسناد دینی نه تنها در جهت مثبت، بلکه در جهت منفی (نقش منفی خداوند) نیز صدق می‌کند. گری^۲ و دیگران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی چگونگی اسناد دینی در میان نوجوان اندونزیایی ضربه‌دیده از لحاظ اقتصادی، بر اساس یک پرسشنامه طراحی شده توسط نویسندگان پرداختند. نتایج این تحقیق، سه بعد اسناد دینی مثبت (مشمول بر سه خرده‌مقیاس کنترل، پاسخگویی و دیدگاه مثبت به خداوند)، بازخواست از خداوند، و مجازات الهی را تأیید کرد (گری و دیگران، ۲۰۱۶، ص ۶). در این پژوهش به دلیل مغایرت منطقی نظرات منفی پیرامون خداوند با اعتقاد مذهبی رایج در میان نوجوانان اندونزیایی، از اسناد منفی نسبت به خداوند استفاده نشده است. در پژوهش‌های داخلی، عبدلی و احمدی (۱۳۹۵) به بررسی انواع سبک‌های اسنادی و نقش آن در رفتار از منظر قرآن کریم پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش سه سبک درونی-بیرونی؛ خود-خدا؛ و خود-دیگران را نتیجه داد که هر سبک به پیامدهای متفاوت در رفتار و عواطف فرد منجر می‌شود. همچنین، بیات و دیگران (۱۴۰۰) در پژوهشی به شناسایی سبک‌های اسناد دینی و غیردینی بیماران مبتلا به کووید-۱۹ پرداختند که سرانجام ۱۱ سبک اسنادی کشف شد. بر این اساس، صرفاً برخی از مطالعات اسناد دینی را به صورت عملیاتی تعریف کرده و به صورت ضمنی سبک‌های اسناد بیان شده است (بیلی و هیز، ۱۹۹۸؛ هومیر، ۱۹۹۸؛ کاراکایا، ۲۰۰۸؛ نایت^۳ و دیگران، ۲۰۰۴؛ اشنايدر و اسمیت، ۲۰۱۱؛ اسپیلکا و اسمیت، ۱۹۸۳)، در حالی که بسیاری از پژوهشگران به مباحث نظری بسنده کرده‌اند (لورین^۴ و دیگران، ۲۰۱۵؛ پارگامنت و دیگران، ۱۹۹۰؛ شیمین^۵، ۲۰۱۰) که حاکی از فقدان پژوهشی به منظور شناسایی سبک‌های اسناد از منظر آموزه‌های دین اسلام است.

۱. Karakaya, F.

۲. Garey, E.

۳. Knight, N.

۴. Laurin, K.

۵. Schieman, S.

علاوه بر این، از یک سو پژوهش‌ها نشان می‌دهد در فرهنگ‌های فردگرا، یک هنجار درونی بودن؛ یعنی پذیرش مسئولیت رفتار خویش توسط افراد جامعه، وجود دارد، در حالی که در جوامع جمع‌گرا از جمله ایران این هنجار یا ضعیف است یا وجود ندارد (بارون^۱ و دیگران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، در آموزه‌های دینی اولاً قواعد و اصولی در تبیین یک رویداد مربوط به خویش یا دیگران و نیز سبک‌هایی از اسناد وجود دارد، که در الگوهای یاد شده به صراحت یافت نمی‌شود. آموزه‌های دینی تبیین می‌کند که چگونه اسناد در تفسیر اعمال و گفتار دیگران به نیکوترین وجه محتمل باشد. برای نمونه قرآن دستور می‌دهد هر کسی که اظهار ایمان می‌کند با آغوش باز وی را بپذیرید و هر گونه بدگمانی را کنار بگذارید (نساء، ۹۴). خداوند در سوره حجرات به صورت یک قاعده می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گمان زدن پرهیزید؛ چرا که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است (حجرات، ۱۲)». چنان‌که تفاسیر و روایات در تفسیر این آیه نشان می‌دهد، دین اسلام تأکید می‌کند گفتار دیگران را به بهترین وجه حمل کنید و تا هنگامی که راهی برای تفسیر درست از کلام وی وجود دارد، از گمان بد اجتناب کنید^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲). بر این اساس، مطابق آموزه‌های دینی اصل این است که رفتار و گفتار دیگران حمل بر درستی گردد و تبیین موجب جدایی و اختلاف میان مؤمنان نگردد، خواه مقتضای حمل بر درستی و پرهیز از بدگمانی لازمه اسناد درونی یا بیرونی باشد. علاوه بر این، در باورها و گزاره‌های دینی به صورت مکرر دستیابی به موفقیت‌ها از جمله هدایت (سبا، ۵۰؛ حجرات، ۱۷)؛ علم (یوسف، ۱۰۱)؛ نعمت (زمر، ۴۹)؛ عزت و سربلندی (آل عمران، ۲۶)؛ پیروزی (آل عمران، ۱۲۶؛ انفال، ۱۰ و ۱۷)؛ الفت میان دل‌ها (انفال، ۶۲)؛ رفاه و آرامش (توبه ۲۰ و ۲۶) و به طور کلی تمام نیکی‌ها به خداوند (نساء، ۷۸) و امور ناخوشایند و گمراهی از یک جهت به خداوند (نساء، ۷۸؛ اعراف، ۱۳۱؛ بقره، ۱۵۵؛ آل عمران، ۲۶) و از جهت دیگر، به عواملی همچون خود فرد (نساء، ۷۹؛ آل عمران، ۱۶۵)؛ عملکرد گذشته وی (شوری، ۳۰؛ آل عمران، ۱۱۷ و ۱۸۲؛ نحل، ۳۴)؛ وسوسه‌های شیطانی (اعراف، ۲۰، کهف، ۶۳؛ انعام، ۹۱؛ بقره، ۳۶) و دیگران (فرقان ۲۸ و ۲۹) نسبت داده شده است.

۱. Baron, R.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ ضَعَّ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا (کافی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲).

بنابراین، فقدان پژوهشی در منابع روان‌شناختی فارسی و مطابق با فرهنگ اسلامی پیرامون مفهوم‌شناسی اسناد دینی به‌ویژه با یک روش کیفی ضرورت شناسایی سبک‌های اسناد دینی و در نتیجه ارائه الگوی اسناد دینی مطابق آیات قرآن را روشن می‌سازد. بر این اساس، سؤال این پژوهش این است که سبک‌های اسناد دینی بر اساس آیات قرآن چیست؟

روش

روش به کار رفته در این تحقیق تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) است. جامعه‌متنی این پژوهش، قرآن کریم بود. نمونه‌گیری به صورت شبکه‌ای^۱ و واحدهای نمونه‌گیری، گزاره‌های ناظر به مفهوم «اسناد» بود. در ابتدا به منظور دستیابی به یک تعریف پذیرفته شده از اسناد، متون و منابع روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل تعاریف موجود به یک تعریف جامع از اسناد انجامید که این تعریف ملاکی برای ورود و خروج گزاره‌های قرآنی مرتبط با اسناد در این پژوهش شد.

سپس، مستندات مربوط به «اسناد» در چند مرحله به صورت زیر گردآوری و تحلیل شد. مرحله اول: مشاهده نظام مند (شناسایی گزاره‌های مرتبط با اسناد در قرآن بر اساس دو راهبرد جستجوی واژگانی و متن‌خوانی باز) مرحله دوم: غرقه شدن در محتوا (بررسی معنای ظاهری، معناکاو و تفسیر، ورود به لایه‌های پنهان متن، استدلال و نتیجه‌گیری). مرحله سوم: صورت‌بندی یافته‌ها (تشکیل حوزه‌های معنایی، کشف ساختارها و مضامین پایه، یکپارچه‌سازی) در این مرحله، علاوه بر تحلیل‌های نظری از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۱۸ برای ترسیم شبکه مفهومی استفاده شد. مرحله چهارم: بازآفرینی و ارائه عملیاتی‌سازی و ایجاد ساخت‌های مفهومی همگرا با ادبیات روان‌شناسی). آخرین مرحله مربوط به اعتبارسنجی یافته‌ها بود. در روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی از دو اصطلاح «متقن بودن» و «مفید بودن» [کاربردپذیری] به ترتیب برای اطمینان از تطابق یافته‌ها با محتوای متون دینی و کاربرد یافته‌ها در قلمرو روان‌شناسی استفاده می‌شود (همان، ۱۳۹۹ ب). بر این اساس، یک پژوهش زمانی متقن است که اگر محقق دیگری با همان خط‌مشی و روش، کار را دنبال کند به نتیجه مشابهی برسد. بدین منظور، ضمن تهیه جدولی مشتمل بر توضیح فرایند استنباط سبک‌های اسناد در قرآن از هشت کارشناس متخصص

۱. network sampling

علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد: ۱) میزان مطابقت و ضرورت محتوای استنباطی را با مستندات و موضوعات در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای مشخص کنند، ۲) مفید بودن یافته‌های این پژوهش را در روان‌شناسی بر اساس چهار معیار «کاربردپذیری»، «قابلیت اعتماد»، «اصالت و اعتبار»، و «نوآوری» مشخص کنند.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا برای شناسایی مفاهیم متناظر با اسناد و دستیابی به ملاک معین به منظور ورود و خروج گزاره‌های ناظر به اسناد در قرآن، از میان تعاریف و دیدگاه‌های مطرح شده در این حوزه، هفت تعریف از اسناد گردآوری شد. نتایج حاصل از تحلیل این تعاریف در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱ بازبینی مؤلفه‌های ساختاری اسناد در تعاریف پیشین و ارائه تعریف جدید

ردیف	عبارت	تعریف ارائه شده	تعریف پیشنهادی
۱	چگونگی واکنش به رویداد (واینر، ۲۰۱۴)	تبيين علی یک	اسناد فرایند ارزیابی و
۲	تحلیل یک رویداد	رویداد، شناسایی	تبيين علی یک
۳	تبيين علی رویداد و عوامل آن (هایدر، ۱۹۵۸)	عوامل مربوط به	رویداد (خوشایند یا
۴	تلاش برای شناسایی منابع یک رنج (واینر، ۱۹۸۵)	رفتار	ناخوشایند) و عوامل
۵	تبيين چگونگی رویدادی که برای فرد رخ داده (هود، هیل و اسپیلکا، ۲۰۰۹)		دخیل در آنکه
۶	چگونگی ارزیابی یک رویداد (سلیگمن، ۱۹۸۴)		می تواند واکنش‌های
۷	ارزیابی توانایی خویش برای ارزیابی مثبت و پس از آن ایجاد انگیزه برای مقابله (واینر، ۲۰۱۴)	انگیزه برای واکنش	فرد نسبت به این رویداد را تحت تأثیر قرار دهد.
۸	فرایند است (واینر و نسییت، ۱۹۷۱)	فرایند عمل	

تجزیه و تحلیل تعاریف اسناد نشان داد اسناد دارای سه مؤلفه شامل «فرایند»، «تبيين علی» و «واکنش‌های انگیزشی» بوده و می‌توان آن را این‌گونه تعریف کرد: «اسناد فرایند توصیف، تبيين و ارزیابی علی یک رویداد (خوشایند یا ناخوشایند) و عوامل دخیل در آن است که می‌تواند واکنش‌های فرد نسبت به این رویداد را تحت تأثیر قرار دهد». بر این اساس، تعداد ۱۷۵ گزاره قرآنی که به تبيين و اسناد یک رویداد یا گفتار اشاره داشت، جمع‌آوری شد. در مرحله بعد، گزاره‌های مربوط به یک رویداد خوشایند یا ناخوشایند دنیوی اعم از اینکه مربوط به خود فرد یا دیگران؛ توصیفی یا تجویزی؛ صحیح یا غلط؛ و

اعم از اینکه اسناددهنده انسان یا خداوند باشد، انتخاب شد و گزاره‌های مرتبط با امور اخروی و زندگی پس از مرگ، یا گزاره‌های حاکی از یک واقعیت و حقیقت کلی منتسب به خداوند یا دیگران (برای نمونه تبیین پدیده‌هایی چون هدایت، رزق، ملک و ملکوت، دوری از جهنم، پیروزی، عزت و ذلت) در مرحله پالایش و غربالگری از دامنه تحقیق حذف گردید در نتیجه یافته‌های این مرحله ۱۰۶ گزاره قرآنی بود که وارد مراحل بعدی تحقیق شد.

در مرحله غوطه‌وری، به توصیف و تحلیل واژه‌ای و گزاره‌ای داده‌ها بر اساس تفاسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان پرداخته شد. توصیف و تحلیل داده‌ها در این مرحله همراه با ادغام و حذف برخی از گزاره‌های مشابه منجر به ۷۶ گزاره اولیه گردید که نتایج آن در جدول ۲ نمایش داده شده است.

پس از شناسایی گزاره‌های اولیه، هر یک از آن‌ها بر اساس تشابه کارکردی و با استفاده از اصل هم ریخت‌بینی کل نگر به صورت مکرر مقایسه گردید و در نهایت گزاره‌ها در قالب چندین سبک اسنادی دسته‌بندی و نام‌گذاری شد. سبک‌های اسنادی حاصل از این مرحله، در دو سطح کلی شامل سبک‌های اسنادی «تجویزی» و «توصیفی» طبقه‌بندی شد. سبک اسناد تجویزی به تبیین‌های صادر شده از سوی خداوند در یک موقعیت یا شرایط خوشایند یا ناخوشایند و سبک اسناد توصیفی به تبیین‌های صادر شده از سوی افراد درباره علل و اسباب موقعیت‌های خوشایند و ناخوشایند، مربوط است. بنابراین، این تحقیق دارای دو مدل سبک اسناد توصیفی و تجویزی بود که ابتدا به الگوی سبک‌های توصیفی و پس از آن سبک‌های تجویزی خداوند بررسی خواهد شد. نتایج حاصل از سبک‌های توصیفی اسناد در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۲ گزاره‌های اولیه مربوط به داده‌های پژوهش

ردیف	گزاره‌های اولیه	تفسیر	گزاره‌های اولیه	ردیف
۱	آگاهی و مالکیت مطلق خداوند (آل عمران، ۲۶)	۴	۳۹	اسناد تمام نیکی‌ها به خداوند (نساء، ۷۸ و آل عمران، ۲۶)
۲	اجازه و اذن تصرف خداوند در هستی (همان؛ تغابن، ۱۱)	۱	۴۰	اسناد هدایت و موفقیت‌ها به خداوند (سبا، ۵۰؛ حجرات، ۱۷؛ قصص، ۵۶)
۳	هر کسی طعم مرگ را می‌چشد (انبیاء، ۱)	۱	۴۱	اسناد عزت و سربلندی به خداوند (آل

شماره	گزاره‌های اولیه	نوع	گزاره‌های اولیه	نوع
	عمران، ۲۶؛ نسا، ۱۳۹)		(۳۵	
۴	اسناد خیر و شر به خداوند (نساء، ۷۸)	۱	۴۲	۱
۵	اسناد رحمت به خداوند (فصلت، ۵۰)	۱	۴۳	۱
۶	پدیرش مسئولیت گفتار و رفتار خویش (نساء، ۱۱۲)	۱	۴۴	۱
۷	پرهیز از اسناد خطای خود به دیگران (همان)	۱	۴۵	۱
۸	ممنوعیت فاش کردن عیوب دیگران (حجرات، ۱۲)	۱	۴۶	۱
۹	اختیار و مسئولیت‌پذیری (نساء، ۱۱۲)	۱	۴۷	۱
۱۰	ممنوعیت پیگیری زندگی و عیوب دیگران (حجرات، ۱۲)	۱	۴۸	۱
۱۱	فراموشی خداوند و دیگران در موفقیت‌ها (معارج، ۲۱)	۱	۴۹	۱
۱۲	بی‌تابی انسان در ناملايمات (معارج، ۲۰)	۱	۵۰	۱
۱۳	ممنوع بودن بدگمانی (حجرات، ۱۲)	۱	۵۱	۱
۱۴	تلاش برای نیکوترین تبیین (نساء، ۹۴)	۱	۵۲	۲
۱۵	تقدم تحقیق و بررسی بر تبیین (حجرات، ۶)	۲	۵۳	۱
۱۶	گمراهی به سبب آرزوهای طولانی (حدید، ۱۴)	۱	۵۴	۲
۱۷	گمراهی انسان توسط شیطان (بقره، ۳۶؛ اعراف، ۲۰)	۲	۵۵	۳
۱۸	فراموشی یاد خداداد توسط شیطان (یوسف، ۱۰۰؛ کهف، ۶۳)	۳	۵۶	۱
۱۹	ایجاد دشمنی توسط شیطان (انعام، ۹۱)	۱	۵۷	۱
	فراموشی از سوی شیطان (مجادله، ۱۹)	۱		

فرآوانی	گزاره‌های اولیه	بیت	بیت	گزاره‌های اولیه	بیت
۶	اسناد فرامانروایی و ملک به خداوند (یوسف، ۱۰۱)	۵۸	۴	فساد و ناملایمات به خاطر رفتار خود انسان (روم، ۳۶ و ۴۱؛ شوری، ۴۸)	۲۰
۷	اسناد بهبودی و شفا به خداوند (شعرا، ۸۰)	۵۹	۳	مصیبت‌های ناشی از رفتارهای گذشته (نحل، ۳۴؛ شوری، ۳۰؛ آل عمران، ۱۱۷)	۲۱
۲	اسناد نیکی و موفقیت خویش به خداوند (هود، ۸۸؛ نساء، ۷۸)	۶۰	۲	سلب و تغییر نعمت به خاطر خود انسان (حدید، ۲۳؛ سبأ، ۵۰)	۲۲
۲	نامیدی انسان در ناخوشایندها (روم، ۳۶؛ فصلت، ۴۹)	۶۱	۱	بدی‌ها از سوی خود انسان (نساء، ۷۸)	۲۳
۴	درخواست رهایی از خداوند در رنج‌ها (یونس، ۲۲؛ زمر، ۸ و ۴۹؛ روم، ۳۳)	۶۲	۱	آزمون کردن خداوند بندگان را در سختی‌ها (بقره، ۱۱۵)	۲۴
۱	غفلت از یاد خداوند در سختی‌ها (اعراف، ۱۳۶)	۶۳	۱	امتحان خداوند بنده را به وسیله خیر و شر (انبیاء، ۳۵)	۲۵
۱	وجود و بازگشت خود را از خدا دانستن (بقره، ۲۸ و ۱۵۶)	۶۴	۱	مجازات بندگان به دلیل رفتارهای سوء (اعراف، ۱۳۱)	۲۶
۲	اسناد شیطان گمراهی خود را به خداوند (حجر، ۳۹)	۶۵	۱	نزول رنج بر مردم به خاطر اعمال بد (روم، ۴۱)	۲۷
۱	اسناد رنج حاصل از دیگران به خدا (عنکبوت، ۱۰)	۶۶	۱	انتقام خداوند از آدمی (اعراف، ۱۳۶)	۲۸
۲	نسبت دادن شرک به خداوند (نحل، ۳۵؛ زخرف، ۲۰)	۶۷	۱	افزودن خداوند بر مرض قلبی کفار (بقره، ۱۰)	۲۹
۱	نسبت دادن فحشا به خداوند (اعراف، ۲۸)	۶۸	۱	مهر زدن خداوند بر قلب کفار (بقره، ۷)	۳۰
۱	تگندستی و فقر را از خداوند دانستن (فجر، ۱۶)	۶۹	۴	گمراهی آدمی توسط خداوند (نحل، ۳۶؛ صف، ۵)	۳۱
۱	اسناد فراموشی خداوند به دوست (فرقان، ۲۸ و ۲۹)	۷۰	۱	ذلت انسان توسط خداوند (مؤمن، ۳۴)	۳۲
۱	اسناد فحشای خویش به اجداد (اعراف، ۲۸)	۷۱	۱	گرفتن ملک و فرمانروایی توسط خداوند (آل عمران، ۱۲۶)	۳۳
۱	اسناد ناملایمات خویش به پیامبر (نساء، ۷۸)	۷۲	۱	اسناد گمراهی به شقاوت خویش (اعراف، ۲۳)	۳۴
۱	اسناد گرفتاری خویش به نحوست دیگران (اعراف، ۱۳۱)	۷۳	۱	اسناد گمراهی به نمازگزار نبودن (مدثر، ۴۲ و ۴۳)	۳۵

ردیف	عنوان	نویسنده	صفحه	موضوع
۳۶	اسناد گمراهی به بازیچه گرفتن دنیا (توبه، ۶۵)	۱	۷۴	اسناد سحر و جادو به دیگران (انعام، ۷؛ ۱۰ اعراف، ۱۰۹، قمر، ۹)
۳۷	اسناد بیماری و مرض به خویش (شعرا، ۸۰)	۱	۷۵	اسناد بی‌خردی به دیگران (اعراف، ۱۰۶)
۳۸	اسناد خطا و اشتباه به خویش (انبیاء، ۸۷؛ مؤمنون، ۱۰۶)	۲	۷۶	اسناد دروغ و خودبرتربنی به دیگران (اعراف، ۶۶؛ مؤمنون، ۲۴)

جدول ۳ سبک‌های اسناد توصیفی به دست آمده از گزاره‌های اولیه

ردیف	عنوان	نویسنده	صفحه	موضوع
۶۵-۶۹	اسناد منفی	خداوند		
۶۴	اسناد مثبت			
۳۴-۳۸	خویشتن			
۷۰-۷۲	افراد	دیگران		علل و زمینه‌ها
۷۴ و ۷۳	امور خرافی			موقعیت‌های ناخوشایند و منفی
۷۶ و ۷۵	اهداف منفی و باطل			
۶۱	روی گردانی از خداوند			
۶۲	درخواست رهایی از خداوند	روی آوردن		واکنش‌های هیجانی-رفتاری
۶۳	یاس و ناامیدی	به خداوند		
۵۵-۶۰	خداوند			
۴۹-۵۴	خویش			موقعیت‌های خوشایند
۴۷	شادمانی و غرور	غفلت از		موقعیت‌های خوشایند و مثبت
۴۸	روی گردانی از خداوند	خداوند		موقعیت‌های خوشایند و مثبت

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد سبک‌های اسناد توصیفی به دو موقعیت «خوشایند» و «ناخوشایند» تقسیم گردید. همچنین، هر یک از موقعیت‌های خوشایند و ناخوشایند دارای دو طبقه شامل «چگونگی تبیین اسناددهی یک رویداد» و «واکنش هیجانی-رفتاری» افراد در هر یک از موقعیت‌های مطلوب و نامطلوب طبقه‌بندی شد. در موقعیت‌های خوشایند از جمله رسیدن به مقام رسالت، حکمت، علم، فرمانروایی، بهبودی از بیماری، پیروزی، موفقیت‌ها و به طور کلی هر گونه نعمت و نیکی، اسنادهای صادر شده از افراد یا به سمت «خداوند» یا «خویش و شایستگی‌های شخصی» بود و واکنش افراد در

مواجهه با این موقعیت‌ها در مرحله اول در دو قسم «شادمانی و غرور» و «روی گردانی از خداوند» قرار گرفت که سرانجام هر دو طبقه در واکنشی با عنوان «غفلت و فراموشی خداوند» خلاصه شد. اسنادهای توصیفی افراد در موقعیت‌های ناخوشایند همچون گمراهی، شرک، تنگدستی، مرگ، فحشا، خطا، بیماری، فراموشی خداوند، و دعوت انبیا، دارای سه سبک اسناد به «خداوند»، «خویش» و «دیگران» بود و واکنش هیجانی-رفتاری افراد در مواجهه با ناخوشایندی‌ها عمدتاً «روی آوردن به سمت خداوند و درخواست رهایی از این شرایط» بود.

دومین سطح از اسناد بر اساس آموزه‌های قرآن، سبک اسناد «تجویزی» بود که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ نمایش داده شده است. بر این اساس، خداوند در موقعیت‌های ناخوشایندی همچون گمراهی انسان، فراموشی یاد خداوند، فساد، ناملایمات و سختی‌ها، سیئات، فقر، گرسنگی، قحطی، مرگ، بیماری‌های جسمی و روحی، ذلت و گرفتن نعمت‌ها را در سه سبک اسنادی «انسان و رفتارهای سوء»، «شیطان و وسوسه‌های شیطانی» و «خداوند» تبیین می‌کند. بیشترین فراوانی از میان سه سبک تجویزی در ناخوشی‌ها مربوط به خودِ خداوند است که در برخی گزاره‌های به صورت مطلق به خداوند نسبت داده شده و در برخی گزاره‌ها «فرایندی طبیعی و حقیقی تلقی کردن یک پدیده»، «آزمون الهی»، و «مجازاتی برای رفتارهای اشتباه گذشته» به عنوان اهداف الهی بیان شده است. در موقعیت‌های خوشایند تنها یک سبک اسناد از گزاره‌های قرآنی به دست آمد و آن اسناد هدایت، مُلک، رحمت، نعمت، پیروزی، آرامش، الفت میان قلوب و به طور کلی تمام نیکی‌ها و موفقیت‌ها به «خداوند» است. همان‌طور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد سطح اسناد تجویزی از این جهت که از سوی خداوند صادر شده، دارای طبقه «واکنش‌های هیجانی-رفتاری» نیست.

جدول ۴ سبک‌های اسناد تجویزی به دست آمده از گزاره‌های اولیه

موضوع اسناد	علل یا پیامد	اسناد به	گزاره‌ها
		خود انسان	۲۳ و ۲۲
		انسان	۲۱ و ۲۰
		اعمال و رفتار گذشته	
		شیطان و وسوسه‌های شیطانی	۱۵-۱۹
موقعیت‌های ناخوشایند و مثبت	علل و زمینه‌ها	آزمون	۲۵ و ۲۴
		خداوند	۲۶-۲۸
		مجازات	

۳	فرایند طبیعی و حقیقی	
۲۹-۳۳	بدون ذکر هدف	
۳۹-۴۶	خداوند	علل
		موقعیت‌های خوشایند

در مرحله اعتبارسنجی، برای حصول اطمینان از «اتقان» و «کارآمدی» یافته‌ها از دیدگاه هشت کارشناس متخصص علوم انسانی و روان‌شناسی استفاده شد که نتایج آن در جدول (۵) نمایش داده شده است.

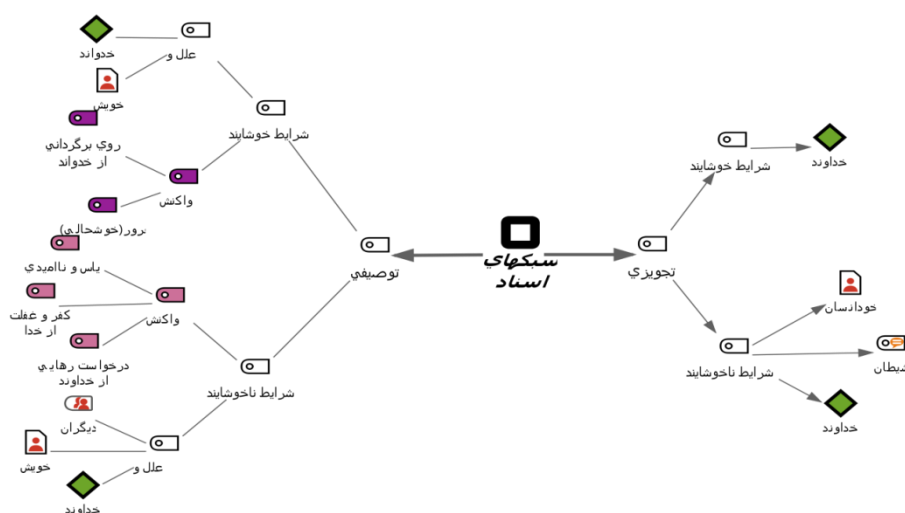
جدول ۵ بررسی اتقان و کارآمدی سبک‌های شناسایی شده توسط کارشناسان خبره

کارآمدی		اتقان										
سطح	موقعیت	اسناد به	کاملاً مرتبط	مرتبط	نسباً مرتبط	غیرمرتبط	CVI	ضروری	مفید، اما غیر ضروری	غیر ضروری	CVR	بلی خیر
	خداوند	۶	۲	-	-	۱	۷	۱	۱	۰/۷۵	۸	-
	خویش	۶	۱	۱	-	۰/۸۷	۸	۱	-	۱	۸	-
	دیگران	۸	-	-	-	۱	۸	۱	-	۱	۸	-
	خداوند	۶	۲	-	-	۱	۷	۱	۱	۰/۷۵	۸	-
	خویش	۸	-	-	-	۱	۷	۱	۱	۰/۷۵	۸	-
	انسان	۶	۲	-	-	۱	۸	۱	-	۱	۸	-
	شیطان	۷	۱	-	-	۱	۸	۱	-	۱	۸	-
	خداوند	۵	۲	۱	-	۰/۸۷	۷	۱	۱	۰/۷۵	۸	-
	خداوند	۸	-	-	-	۱	۸	۱	-	۱	۸	-
	جمع			۰/۹۷					۰/۸۸		۸	

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ و با توجه به ارزیابی میزان ضرورت هر سبک مطابق مستندات قرآنی توسط هشت کارشناس، حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVR برابر با ۰/۷۵ است (شولتز^۱ و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۸۷ و ۱۲۴). بنابراین، اگر شاخص روایی محتوا و شاخص نسبت روایی محتوای هر سبک به ترتیب

۱. Shultz, K. S.

کمتر از ۰/۷۹ و ۰/۷۵ باشد، آن سبک حذف می‌گردد. همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد اتقان تمام سبک‌ها تأیید می‌شود. کارآمدی هر سبک نیز از طریق ۱۰ سؤال پیرامون ۴ مؤلفه شامل کاربردپذیری (۳ پرسش)، قابلیت اعتماد (۲ پرسش)، اصالت و اعتبار (۲ پرسش)، و نوآوری (۳ پرسش) توسط کارشناسان ارزیابی شد که به جز مؤلفه کاربردپذیری توسط یک کارشناس، مابقی مؤلفه‌ها نمره کامل دریافت کردند. بنابراین، می‌توان سبک‌های اسناد توصیفی و تجویزی مطابق آیات قرآن را در شکل ۱ نمایش داد.



شکل ۱ مدل مفهومی سبک‌های اسناد توصیفی و تجویزی در قرآن کریم

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای این پژوهش شناسایی سبک‌های اسناد بر اساس آموزه‌های قرآنی بود. نتایج نشان داد الگوی اسنادی قرآن دارای دو سطح «توصیفی» و «تجویزی» است. همچنین، هر یک از سطوح اسناد، خود شامل دو موقعیت «خوشایند» و «ناخوشایند» است که در سطح تجویزی صرفاً به تبیین یک وضعیت منفی یا مثبت و در سطح توصیفی علاوه بر تبیین ارائه شده از سوی افراد در دو وضعیت خوشایند و ناخوشایند، واکنش‌های هیجانی-رفتاری افراد نیز از سوی خداوند بیان شده است. این یافته با پژوهش اسپیلکا و اسمیت (۱۹۸۳) مبنی بر اینکه اسناد یک رویداد به خداوند تحت تأثیر برخی متغیرهای

موقعیتی از جمله مثبت یا منفی بودن، زمینه‌ای که رویداد در آن رخ می‌دهد، و میزان اهمیت آن موقعیت؛ با پژوهش لوپفر و دیگران (۱۹۹۴) در تقسیم اسناد به دینی و غیردینی؛ با پژوهش کارکایا (۲۰۰۸) و گری و دیگران (۲۰۱۶) در دو نوع اسناد منفی و مثبت نسبت به خداوند؛ و با پژوهش عبدلی و احمدی (۱۳۹۵) در سبک‌های اسناد به خویش، دیگران و خداوند همسو است.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش این بود که در سطح اسناد «توصیفی مربوط به امور ناخوشایند» افراد این موقعیت را به یکی از سه عامل خداوند، دیگران و خویشتن نسبت می‌دهند. مهم‌ترین سبک توصیفی اسناد در امور ناخوشایند، اسناد به خویش و به طور کلی اسناد درونی، ناپایدار و قابل تغییر است. تا جایی که در گزاره‌های توصیفی قرآن بررسی شد تنها بندگان صالح خداوند از جمله حضرت آدم و حوا (اعراف، ۲۳) و حضرت یونس (انبیا، ۸۷) هنگام مواجه شدن با گرفتاری، عامل این موقعیت را خویش دانسته‌اند و در نتیجه به خاطر این نوع سبک اسنادی از خداوند طلب عفو و بخشش می‌کنند. بندگان صالح با توجه به شناختی که از خود و خدا دارند، مسئولیت خطای خویش را برعهده می‌گیرند و راه‌برون رفت از این شرایط را بازگشت به سوی خداوند می‌دانند. علاوه بر این، در قیامت که حقایق آشکار می‌شود، زمانی که از دوزخیان درباره علت ورود به جهنم سؤال می‌شود، این موقعیت را نتیجه اعمال خویش و بجا نیاوردن نماز^۱ (مدثر، ۴۲ و ۴۳)، بازیچه و شوخی پنداشتن دنیا^۲ (توبه، ۶۵) معرفی می‌کنند. این درحالی است که خداوند به صراحت اعلام می‌کند این رویداد از ابتدای خلقت در کتاب الهی مرقوم بوده (حدید، ۲۲ و ۲۳؛ توبه ۵۱) و به این صورت، آن را به خود اسناد می‌دهد (نساء، ۷۸؛ یونس، ۴۹؛ اعراف، ۱۳۱ و بقره، ۱۵۵). در مرحله بعد، عواملی همچون خود انسان (نساء، ۷۹؛ آل عمران، ۱۶۵؛ سبأ، ۵۰)؛ عملکرد گذشته آدمی (شوری، ۳۰ و ۴۸؛ آل عمران، ۱۱۷ و ۱۸۲؛ نحل ۳۴؛ روم، ۳۶ و ۴۱)؛ شیطان (اعراف، ۲۰؛ بقره، ۳۶) و دیگران به ویژه دوستان (فرقان ۲۸ و ۲۹) را به عنوان عوامل زمینه‌ساز این شرایط معرفی می‌کند (نساء، ۷۹؛ آل عمران، ۱۶۵؛ انفال، ۵۳). هم‌چنین در برخی آیات رویدادهایی که برای انسان اتفاق می‌افتد، به گذشته فرد نسبت داده شده که مسئولیت اصلی این رویداد عمدتاً به خود وی بر می‌گردد. نقش عوامل دیگر مانند

۱. مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (مدثر، ۴۲ و ۴۳).

۲. وَكَيْنَ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (توبه، ۶۵).

محیط، دیگران و شیطان در حد عوامل زمینه‌ای است که نمی‌تواند اراده و اختیار را از فرد سلب کند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، بعد از اسناد به خدا و خود، اسناد به دیگران در مرتبه سوم هستند. برحسب تعریف، دیگران مواردی همچون دوستان (فرقان ۲۸ و ۲۹)، آباء و اجداد، نزدیکان (اعراف، ۲۸)، پیامبران و اولیای الهی (نساء، ۷۸)، اعتقاد به امور خرافی مانند شانس، فال زدن (اعراف، ۱۳۱)، سحر و جادو (انعام، ۷)، جنون (قمر، ۹؛ اعراف، ۱۰۹؛ اسراء، ۱۰۱؛ نمل، ۱۳؛ طه، ۶۳؛ غافر، ۲۴؛ یونس، ۷۶؛ قصص، ۳۶؛ و ذاریات، ۳۹)، و ویژگی‌هایی مانند بی‌خردی و دروغگویی (اعراف، ۶۶) و خودبرتربینی (مؤمنون، ۲۴) می‌شود. در قرآن این نوع اسناد بیشتر در مورد افراد مشرک، ناصالح و یا دشمنان انبیا گزارش شده است. این افراد هرگاه در موقعیتی قرار می‌گیرند که برای آنان ناخوشایند است به منظور انکار یا شانه خالی کردن از پیامدهای آن، سعی می‌کنند به عوامل بیرونی نسبت دهند. یک دسته دیگر، اموری ناخوشایند مثل ابتلا به گرفتاری‌ها (فجر، ۱۶)؛ فحشا (اعراف، ۲۸)؛ و شرک (نحل، ۳۵؛ زخرف، ۲۰؛ حجر، ۳۹) را که همه به خود مربوط می‌شوند، به خداوند اسناد می‌دهند. این گروه از افراد خداوند را مسبب ناخوشی‌های خود می‌دانند که در این پژوهش اسناد دینی منفی نام‌گذاری شده است، درحالی که برخی دیگر از افراد نیز خداوند را در رنج و گرفتاری خویش سهیم می‌دانند (بقره، ۱۵۶)، اما نه از این جهت که خداوند باعث آن است؛ بلکه از این جهت که خداوند کاملاً به این رویداد آگاه و واقف بوده و خداوند از آن هدف و حکمتی را مد نظر داشته است که به آن اسناد دینی مثبت گفته می‌شود. قابل توجه اینکه وقتی خداوند واکنش‌های هیجانی-رفتاری این گروه از افراد را در مواجهه با ناملازمات بیان می‌کند؛ به این نکته اشاره می‌کند که برخی از آن‌ها هنگام مواجهه با رنج و سختی ناامید و مأیوس می‌شوند (روم، ۳۶؛ فصلت، ۴۹). و عده دیگر، وقتی گرفتار رنج و سختی می‌گردند، دست به دعا برداشته و درخواست‌هایی از این موقعیت را از خداوند دارند (یونس، ۲۲؛ زمر، ۸ و ۴۹؛ روم، ۳۳). ممکن است در نگاه اول این گونه تلقی شود که این دو واکنش در برابر یکدیگر قرار دارند، درحالی که علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۸۴) معتقد است هیچ ناسازگاری بین این دو واکنش نیست؛ زیرا مردم از ظاهر نعمت و نعمت فراتر نمی‌روند و باطن امر را نمی‌بینند. بر این اساس، همین که نعمتی به دستشان می‌آید، خوشحال می‌شوند، بدون اینکه ببینند این امر به مشیت خداوند بوده و به دست آنان نیست، و همین که نعمتی را از دست می‌دهند

مأیوس می‌شوند؛ گویی از دست رفتن نعمت به اذن خداوند نبوده؛ بنابراین، این گروه از افراد ظاهربین و سطحی‌اند. بنابراین، آدمی در شرایطی که نعمتی را از دست می‌دهد و گرفتار رنج و سختی می‌شود، ناامید و مأیوس می‌گردد (روم، ۳۶؛ فصلت، ۴۹)، در حالی که برخی از افراد، از ناملایماتی که به آن‌ها رسیده و از نعمت‌هایی که از دست داده‌اند ناامید و از اسباب آن مأیوس‌اند، تنها به سمت خداوند بازگشت می‌کنند (روم، ۳۳؛ زمر، ۸ و ۴۹؛ یونس، ۲۲).

همچنین در مورد اسناد توصیفی مربوط به رویدادهای خوشایند برخی افراد این موقعیت را به خداوند و برخی دیگر به خویش و شایستگی‌های خود نسبت می‌دهند. بنابراین، یکی از سبک‌های توصیفی اسناد در امور خوشایند، اسناد به خداوند است. برای نمونه حضرت هود موفقیت‌های خویش (هود، ۸۸)، حضرت ابراهیم بهبودی از بیماری (شعرا، ۸۰)، یوسف ملک و علم خویش (یوسف، ۱۰۱)، موسی رسالت و حکمت (شعرا، ۲۱) و به صورت کلی افراد صالح هر گونه نیکی را که به آن‌ها رسد (نساء، ۷۸) به خداوند نسبت می‌دهند، در حالی که گروه دوم از افراد وقتی رحمت (فصلت، ۵۰)، نیکی (اعراف، ۱۳۱)، پیروزی (عنکبوت، ۱۰)، ملک و ثروت (زخرف، ۵۱)، نعمت (زمر، ۴۹) و علم (قصص، ۷۸) را بدون توجه به خداوند صرفاً به خویش و توانایی‌های خود نسبت می‌دهند. در نتیجه گروهی از این افراد دچار تکبر شده، از خداوند دوری می‌جویند و دچار شرک می‌شوند^۱ (فصلت، ۵۱؛ روم، ۳۳)، و دسته دیگر، چنان‌که قرآن تعبیر می‌کند (روم، ۳۶؛ یونس، ۲۲ و شوری، ۴۸) دچار «فرح» می‌شوند. طبرسی (۱۳۷۲، ج ۹، ص ۵۵) معتقد است منظور از شادی در اینجا غرور و نوعی فساد و انکار است؛ چرا که در این آیه نوعی مذمت انسان شده است. علامه نیز معتقد است تعبیر «فرح» در برابر «رحمت» کنایه از اشتغال به نعمت و فراموشی منعم یعنی خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۶۸). بنابراین، می‌توان واکنش افراد در هنگام مواجهه با نیکی و نعمات را «غفلت از یاد خداوند» نام گذاری کرد.

پس از شناسایی و تبیین سبک‌های اسنادی صادر شده در موقعیت‌های خوشایند و ناخوشایند مطابق با آیات قرآن، لازم است به چگونگی تبیین رویدادهای مثبت و منفی از

۱. ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْرِكُونَ (روم، ۳۳)؛ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَى بِجَانِبِهِ... (فصلت، ۵۱)

سوی خداوند پردازیم.

در سطح اسناد «تجویزی از نوع ناخوشایند» سه سبک اسنادی به خداوند، شیطان و انسان را شاهدیم. آموزه‌های دینی اسناد پدیده‌های ناخوشایند به خداوند را منطقی و هدفمند دانسته و به آزمایش و مجازات برخی از حکمت‌های این گونه اسناد اشاره شده است. خداوند برخی از امور ناخوشایند از جمله مواجه شدن با نگرانی، فقر، مرگ و نابود شدن ثمرات را آزمون و آزمایش خویش دانسته و صبر را تنها تکنیک کارآمد به منظور برون‌رفت از این شرایط معرفی کرده است^۱ (بقره، ۱۵۵). علاوه بر این، خداوند پاره‌ای از رنج و سختی‌ها را محصول رفتارهای سوء انسان در گذشته دانسته که هدف وی از ابتلا، تنبه و هشجاری در قدم اول^۲ (اعراف، ۱۳۱) و تنبیه و مجازات آدمی (بقره، ۲۶؛ صف، ۵) در مرتبه دوم است.

در همین هنگام، خداوند به بندگان مبتلا به شرایط ناخوشایند متذکر می‌شود که اولاً شما نیستید که صرفاً در این شرایط قرار گرفته‌اید، ثانیاً سختی‌ها و مشکلات پایدار نیست و امیدوار به رحمت و قدرت بی‌نهایت پروردگار باشید و در پایان یادآور می‌شود خداوند به همه چیز از جمله شرایط کنونی شما آگاه است، به مواردی علم دارد که شما ندارید و قطعاً از قرار گرفتن شما در این موقعیت هدف و حکمتی دارد (حدید، ۲۲ و ۲۳؛ توبه، ۵۱).

دسته دوم از اسنادهای تجویزی از ناحیه خداوند در این طبقه، نسبت دادن اموری ناخوشایند شامل گمراهی^۳ (بقره، ۳۶)؛ وسوسه و تحریک^۴ (اعراف، ۲۰)؛ فراموشی یاد خداوند^۵ (مجادله، ۱۹؛ انعام، ۹۱) و دشمنی^۶ (انعام، ۹۱)؛ به شیطان است. علاوه بر اسناد

۱. وَكُنْتُمْ لَكُمْ بَشِيرًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره، ۱۵۵).
۲. وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (اعراف، ۱۳۱).
۳. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (بقره، ۳۶).
۴. فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا (اعراف، ۲۰).
۵. اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (مجادله، ۱۹).
۶. إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ (انعام، ۹۱).

گمراهی به شیطان از ناحیه خداوند، دو موقعیت ناخوشایند از جمله فراموشی^۱ (کهف، ۶۳) و جدایی میان افراد^۲ (یوسف، ۱۰۰) از گزاره‌های توصیفی توسط خداوند است که آدمی یک پدیده منفی را به شیطان نسبت داده است. اسناد گمراهی به شیطان از سوی خداوند و در برخی موارد توسط افراد انسانی، تبیینی واقع‌بینانه است که در آن فرد مسئولیت خویش در این شرایط ناخوشایند را انکار نمی‌کند. این درحالی است که برخی از سبک‌های اسنادی در موقعیت‌های ناخوشایند این‌گونه است که افراد قرار گرفتن خویش در این شرایط را به خداوند؛ برخی امور خرافی و به طور کلی به دیگران نسبت می‌دهند. این‌گونه تبیین رفتار که جزء سبک‌های توصیفی و از نوع اسناد بیرونی، غیرقابل کنترل و پایدار است، به معنای نپذیرفتن این پدیده و واگذاری مسئولیت آن به عوامل بیرونی است.

دسته سوم از تبیین‌های صادر شده از سوی خداوند درباره رفتارهای منفی و ناخوشایند، اسناد به خود انسان (نساء، ۷۹؛ آل عمران، ۱۶۵؛ انفال، ۵۳) و رفتارهای سوء وی در گذشته (شوری، ۳۰؛ آل عمران، ۱۱۷ و ۱۸۲؛ روم، ۴۱؛ شوری، ۴۸ و روم، ۳۶) است. خداوند در این آیات متذکر می‌شود که آدمی لازم است در مواجهه با ناملایمات ابتدا به خود و عوامل درونی نظر کند کرده و مسئولیت و سهم خویش را بپذیرد.

همان‌طور که یافته‌ها نشان داد در سطح اسناد «تجویزی و در موقعیت‌های خوشایند» خداوند موقعیت‌های مثبت را به خویش نسبت می‌دهد (انسان، ۳۰؛ زمر، ۴۹؛ سباء، ۵۰؛ انفال ۱۷ و ۶۲؛ توبه ۲۶ و ۴۰). علامه طباطبایی معتقد است توجه به این واقعیت که همه نیکی‌ها و بدی‌ها به اراده خداوند است، سبب می‌شود نیکی‌ها را منتی از سوی خداوند دانسته و اگر رنجی به ما رسید ناراحت نشویم (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج، ۹، ص ۳۰۶).

چنان‌که یافته‌ها نشان داد «اسناد به خداوند» تنها سبکی است که در سطح توصیفی و تجویزی در هر دو موقعیت خوشایند و ناخوشایند به چشم می‌خورد. در امور خوشایند و گزاره‌های توصیف شده در قرآن، از یک سو، مطلق نیکی‌ها (نساء، ۷۸) و از سوی دیگر، در آیات متعددی مصادیق نیکی از جمله توفیق (هود، ۸۸)؛ ملک (یوسف، ۱۰۱)؛ علم (همان)؛ و حکمت (شعراء، ۲۱) از سوی حضرت هود، یوسف و موسی علیهم السلام به خداوند نسبت داده شده است. این در حالی است که خداوند نیز در چندین آیه از قرآن

۱. قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْخُوتَ وَمَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ (کهف، ۶۳).
 ۲. مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف، ۱۰۰).

مطلق نیکی‌ها و بدی‌ها^۱ (نساء، ۷۹)؛ هر آنچه بندگان می‌خواهند^۲ (انسان، ۳۰)؛ عزت و ذلت (آل عمران، ۲۶)؛ سود و زیان (یونس، ۴۹)؛ رحمت (فصلت، ۵۰)؛ نعمت (زمر، ۴۹)؛ هدایت (سباء، ۵۰)؛ و حتی قتل دیگران در جنگ و پیروزی (انفال، ۱۷)؛ آرامش (توبه، ۲۶ و ۴۰) و الفت میان قلوب (انفال، ۶۲) را به خویش منتسب می‌کند. از سوی دیگر، در امور ناخوشایند از یک سو امور ناخوشایندی شامل ابتلا (فجر، ۱۶)؛ فحشا (اعراف، ۲۸)؛ شرک (نحل، ۳۵)؛ زخرف، ۲۰؛ حجر، ۳۹) از طرف افراد انسان به خداوند نسبت داده شده است، همان‌طور که خداوند نیز در چندین آیه بدی‌ها (نساء، ۷۸)؛ ضرر و زیان (یونس، ۴۹)؛ ترس و نگرانی، گرسنگی، فقر، مرگ و کم شدن ثمرات (بقره، ۱۵۵) و ذلت (آل عمران، ۲۷) منسوب به خویش می‌داند. سؤالی که مطرح می‌شود چگونگی جمع میان اسناد سیئات از یک سو به خداوند و از سوی دیگر به انسان و عوامل انسانی است؟

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل با فرض پذیرش «نیست‌انگاری شر» و تمایز بین مقام ثبوت و اتصاف به این مسئله پاسخ می‌دهد. علامه معتقد است بدی‌ها و ناملازمات دارای دو جهت «وجود» و «شر» هستند. این حوادث از جهت وجود به خداوند منتسب هستند؛ زیرا از یک سو، خداوند آفریننده هر شیء است (زمر، ۶۳) و از سوی دیگر، وجود مساوی و مساوق با خیر است و این حوادث صرف نظر از عناوین عارض بر آن‌ها، ممکن الوجود بوده و هر ممکن الوجود، به واجب الوجود منتهی می‌گردد. این درحالی است که، این ناملازمات از جهت «شر بودن» منسوب به انسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۰-۹۵). علامه در این باره می‌فرماید:

بررسی این آیات نشان می‌دهد ناملازمات، بدی‌های نسبی‌اند؛ یعنی فردی که برخوردار از نعمت‌های خدا (امنیت، سلامت، صحت و بی‌نیازی) است، خود را واجد می‌بیند، و چون به خاطر حادثه‌ای آن را از دست می‌دهد، آن حادثه و رنج را برای خود بد تشخیص می‌دهد؛ چون آمدن آن مقارن با رفتن آن نعمت بود. در این هنگام، پای فقدان و عدم به میان می‌آید، و آدمی آن را به حادثه و مصیبت نامبرده نسبت می‌دهد. بنابراین، هر حادثه بد، از خداست، اما از این جهت که از ناحیه خداست، بد نیست، بلکه از این جهت بد می‌شود که آمدنش مقارن با رفتن نعمتی از انسان واجد آن نعمت است. پس هر حادثه بد که تصور کنید، بدی‌اش امری عدمی است، که از این جهت منسوب به خدای تعالی

۱. مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ... (نساء، ۷۹).

۲. وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (انسان، ۳۰).

نیست، هر چند که از جهتی دیگر منسوب بخداست، حال یا به اذن او و یا به نحوی دیگر (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۲).

همچنین، جوادی آملی با تمایز میان تعبیر «من عند الله» در آیه ۷۸ و «من الله» در آیه ۷۹ سوره نساء دیدگاه علامه را تأیید می‌کند. وی معتقد است:

چگونه خیر و شر هر دو «من عند الله» هستند، و حسنه افزون بر این، «من الله» نیز هست، اما سیئه «من الله» نیست، بلکه «من نفسک» است. به عبارت دیگر، نیکی‌ها هم «من عند الله» و هم «من الله» است، اما ناملازمات و سختی‌ها «من عند الله» است، اما «من الله» نیست، بلکه «من الانسان» است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۴۰۵). علاوه بر این، برخی ناملازمات و گمراهی‌ها به دنبال کارهای ناپسند و اعمال خطای وی و به عنوان «مجازات» (بقره، ۲۶؛ اعراف، ۱۳۱ و ۱۳۶؛ روم، ۴۱)، یا به منظور امتحان و آزمون الهی است (بقره، ۱۵۵؛ انبیا، ۳۵).

از محدودیت‌های این پژوهش، این بود که جامعه متنی آن صرفاً آیات قرآن بود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی جامعه متنی دیدگاه اندیشمندان مسلمان و روایات را نیز شامل شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مطابق با یافته‌های این پژوهش پرسشنامه اسناد دینی طراحی و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شود.

منابع

- اسپیلکا، ب. هود، ر. د. هونسبرگر، ب. و. ر. گرساچ. (۲۰۰۳)، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*. ترجمه م. دهقانی (۱۳۹۶). تهران: انتشارات رشد.
- بارون، ر. بیرون، د. و. ن. برنسکامب (۲۰۰۶)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه کریمی (۱۴۰۱)، تهران: نشر روان.
- بیات، ع. عرب‌پور، م. و. م. سالاری فر. (۱۴۰۰)، «تدوین الگوی سبک‌های اسناد بیماران مبتلا به کووید-۱۹: تحلیل مضمون»، *کنفرانس بین‌المللی رهیافت معنویت خدا سو در مواجهه با کرونا*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: قم.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۳)، *توحید در قرآن*، قم: اسراء.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۹ الف)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴ (۲۷). ۴۱-۷۳.
- شجاعی، م. ص. (۱۳۹۹ ب)، «نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی»، *روان‌شناسی فرهنگی*، ۴ (۲). ۱۳۴-۱۶۰.
- طباطبایی، م. ح. (۱۴۱۷ الف)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمی قم.

- طبرسی. ف. ب. ح. (۱۴۱۴ق-۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق. م. ج. بلاغی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عبدلی، ه. احمدی، م. (۱۳۹۵)، «انواع سبک‌های اسنادی و نقش آن در رفتار از نگاه قرآن کریم»، کنگره بین‌المللی علوم انسانی، تهران: مطالعات فرهنگی.
- کلینی، م. ب. ی. (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح ع. ا. غفاری و م. آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- Bayley, J., & Hayes, J. A. (1998). Religious attributions of responsibility: A review of empirical literature and development of an instrument. *Counseling and Values*, 43 (1), 49–62.
- Bulman, R. J., & Wortman, C. B. (1977). Attributions of blame and coping in the "real world": Severe accident victims react to their lot. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35 (5), 351–363.
- Exline, J. J., Park, C. L., Smyth, J. M., & Carey, M. P. (2011). Anger toward God: Social-cognitive predictors, prevalence, and links with adjustment to bereavement and cancer. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100, 129-148.
- Gall, T. L., & Bilodeau, C. (2017). "Why me?" - women's use of spiritual causal attributions in making sense of breast cancer. *Psychology & health*, 32 (6), 709–727.
- Garey, E., Siregar, J. R., Hood, R. W., Jr., Agustiani, H., & Setiono, K. (2016). Development and validation of Religious Attribution Scale: In association with religiosity and meaning in life among economically disadvantaged adolescents in Indonesia. *Mental Health, Religion & Culture*, 19 (8), 818–832.
- Gorsuch, R. L. (1988). Psychology of religion. *Annual Review of Psychology*, 39, 201–221.
- Gorsuch, R. L., Smith, C. S. (1983). Attributions of Responsibility to God: An Interaction of Religious Beliefs and Outcomes, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22 (4). 340-352.
- Heider, F. (1958) *The Psychology of Interpersonal Relations*. New York: John Wiley & Sons.
- Hood, R. W., Jr., Hill, P. C., & Spilka, B. (2009). *The psychology of religion: An empirical approach* (4th ed.). New York, London: Guilford Press.
- Hovemyr, M. (1998). Secular and religious attributions of success and failure among Polish students. *Journal of Social Psychology*, 138, 149–163.
- Ironson, G., Stuetzle, R., Ironson, D., Balbin, E., Kremer, H., George, A., Fletcher, M. A. (2011). View of God as benevolent and forgiving or punishing and judgmental predicts HIV disease progression. *Journal of Behavioral Medicine*, 34, 414–425.
- Jones, E. E., & Davis, K. E. (1965). From Acts to Dispositions the Attribution Process in Person Perception. *Advances in Experimental Social Psychology*, 219–266.
- Karakaya, F. (2008). *The possible roles of religious coping in the relationship between religious attribution and well-being* (Unpublished master's thesis). International Islamic University, Selangor.
- Kelley, H. H. (1967). Attribution theory in social psychology. *Nebraska Symposium on Motivation*, 15, 192–238.
- Knight, N., Sousa, P., Barret, J. L., & Atran, S. (2004). Children's attributions of beliefs to humans and God: Cross-cultural evidence. *Cognitive Science*, 28 (1), 117–126.
- Laurin, K., Shariff, A. F., Henrich, J., & Kay, A. C. (2015). Outsourcing punishment to God: Beliefs in divine control reduce earthly punishment. *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*, 279, 3272–3281.
- Lupfer, M. B., Brock, K. F and DePaola, S. J. (1992), The Use of Secular and Religious Attributions to Explain Everyday Behavior, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 31 (4). 486-503.

- Lupfer, M., De Paola, S., Brock, K., & Clement, L. (1994). Making Secular and Religious Attributions: The Availability Hypothesis Revisited. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 33 (2), 162-171
- Pargament, K. I., Ensing, D. S., Falgout, K., Olsen, H., Reilly, B., Van Haitsma, K., & Warren, R. (1990). God help me: (I): Religious coping efforts as predictors of the outcomes to significant negative life events. *American Journal of Community Psychology*, 18, 793-824.
- Pargament, K. I., Koenig, H. G., Tarakeshwar, N., & Hahn, J. (2004). Religious coping methods as predictors of psychological, physical and spiritual outcomes among medically ill elderly patients: a two-year longitudinal study. *Journal of health psychology*, 9 (6), 713-730.
- Park, C. L., & Cohen, L. (1993). Religious and nonreligious coping with the death of a friend. *Cognitive Therapy and Research*, 17, 561-577.
- Schieman, S. (2010). Socioeconomic status and beliefs about God's influence in everyday life. *Sociology of Religion*, 71 (1), 25-51.
- Schneider, A., & Smith, H. (2011). Religious attributions in cross-cultural comparisons. Retrieved from [http://www/uiowa.edu/~grpproc/crisp/crisp16_11.pdf](http://www.uiowa.edu/~grpproc/crisp/crisp16_11.pdf).
- Shortz, J. L., & Worthington, E. L. (1994). Young adults' recall of religiosity, attributions, and coping in parental divorce. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 33, 172-179.
- Shultz, K. S.; Whitney, D. J.; Zickar, M. J. (2014). *Measurement Theory in Action, Case Studies and Exercises*, New York: Routledge.
- Smith, B. W., Pargament, K. I., Brant, C., & Oliver, J. M. (2000). Noah revisited: Religious coping by church members and the impact of the 1993 Midwest flood. *Journal of Community Psychology*, 28, 169-186.
- Spilka, B., & Schmidt, G. (1983). General Attribution Theory for the Psychology of Religion: The Influence of Event-Character on Attributions to God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 22, 326.
- Spilka, B., Shaver, P. R., & Kirkpatrick, L. A. (1985). A general attribution theory for the psychology of religion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, " 24, 1-2.
- Stroope, S., Draper, S., & Whitehead, A. L. (2013). Images of a loving God and sense of meaning in life. *Social Indicator Research*, 111 (1), 25-44.
- Watson, P., Morris, R., & Hood, R. (1990). Attributional Complexity, Religious Orientation, and Indiscriminate Proreligiousness. *Review of Religious Research*, 32 (2), 110-121.
- Weiner, B. (1985). An attributional theory of achievement motivation and emotion. *Psychological Review*, 92 (4), 548-573.